

آمیزگار

به بهانه‌ی روز جهانی معلولین
دوازدهم آذرماه ۱۴۰۲



فاطمه‌شیر محسنی

آموزگار مدرسه‌ی استثنایی

وارد حیاط مدرسه می‌شوم. دانش‌آموزان مشغول بازی هستند. از دور شاگردم دستش را برای من تکان می‌دهد و با زبان خودش با من شروع به صحبت می‌کند. از همان فاصله با دستانم جوابش را می‌دهم. لحظه‌ای بعد به سمت من می‌دود. نزدیک‌تر که می‌شود، بقیه‌ی بچه‌ها هم دورمان جمع می‌شوند. این عادت چندوقته‌ی آن‌هاست. دوست دارند وقتی ما با زبان اشاره با هم صحبت می‌کنیم، ما را تماشا کنند. خیلی از آن‌ها تعداد زیادی از اشارات این زبان را یاد گرفته‌اند و همراه ما

آن را تکرار می‌کنند. گاهی هم موقع برقراری ارتباط با مینا از آن استفاده می‌کنند. روزهای اولی را که قرار بود مینا وارد این مدرسه شود، فراموش نمی‌کنم. مادرش بی‌قراری می‌کرد و می‌گفت: «بهتر نیست همراه بچه‌هایی مثل خودش باشم؟ همان‌هایی که نمی‌توانند صحبت‌های دیگران را بشنوند یا سر و صداهای اطراف را متوجه بشوند؟ می‌ترسم نشستن سر کلاسی که بچه‌ها همه سالم هستند، در روحیه‌اش تأثیر منفی بگذارد.» اما این روزها خودش هم اعتراف می‌کند، حضور مینا در جمع بچه‌های مدرسه به او کمک کرده است راحت‌تر بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند. حالا او می‌تواند لب‌خوانی کند و

بچه‌های کلاس هم می‌توانند با زبان اشاره کم‌وبیش صحبت کنند. وارد کلاسی شدن که هیچ‌کس از تو درکی ندارد کار آسانی نیست. روزهای اول، نگران قضاوت‌ها و ترحم‌های ریز و درشت اطرافیان بودیم؛ ولی از این مرحله به‌سختی اما به‌خوبی عبور کردیم.

روز بعد وارد مدرسه‌ی دیگری می‌شوم. مریم را می‌بینم که گوشه‌ی حیاط مدرسه نشسته است. می‌دانم متوجه حضورم نمی‌شود؛ برای همین آهسته به سمت او قدم بر می‌دارم. نزدیکش که می‌شوم با صدای بلند سلام می‌کنم و بعد کنارش زانو می‌زنم. الان می‌خندد. سرش را بلند می‌کند و می‌گوید: «خانم معلم، شما هستید؟» جواب می‌دهم: «چرا تنهایی؟» در جوابم لبخندی می‌زند و می‌گوید: «منتظر دوستانم نشسته‌ام. روزهایی که ورزش داریم، اینجا می‌نشینم تا هر وقت آن‌ها خسته شدند بیایند کنار من و با من شطرنج بازی کنند.» مریم دختر نابینایی است که در مدرسه‌ی عادی و کنار سایر بچه‌ها درس می‌خواند. برای او هم ورود به این مدرسه کار ساده‌ای نبوده؛ ولی راه دیگری جز این نداشت. در شهرستان‌های کوچک، مدرسه‌ی ویژه برای بچه‌های نابینا وجود ندارد؛ ولی شاید این برای مریم یک امتیاز باشد. حضور در این مدرسه به مریم کمک می‌کند با بچه‌های عادی و با مردم عادی ارتباط برقرار کند. دوست داشته



آموزش

آبان‌ماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۱۴۰۲



باشد یا نداشته باشد قرار است وقتی هم که بزرگ شد با این بچه‌ها زندگی کند. چه بهتر که از همین الان بتواند با آن‌ها ارتباط بگیرد و از بین همین بچه‌ها برای خودش چند تا دوست مهربان هم دست‌وپا کند. مطمئنم در سال‌های بعد و برای زندگی‌اش این دوست‌ها سرمایه‌های بزرگی خواهند بود.

مدرسه‌ی بعدی من یک مدرسه‌ی پسرانه است. همین که وارد مدرسه می‌شوم، پسرها به‌سمتم می‌دوند و دور تا دورم جمع می‌شوند. یکی از بچه‌ها می‌گوید: «خانم معلم، امروز هم مثل هفته‌ی پیش مسابقه داریم؟» لبخند می‌زنم. هنوز جوابش را ندادهام که یکی از بچه‌ها می‌گوید: «خانم معلم، امین آنجاست. الان می‌آید.» سرم را بالا می‌آورم. یکی از بچه‌ها در حالی که دسته‌ی چرخک (ویلچر) امین را گرفته، به‌سمت من در حال حرکت است. امین دارد لبخند می‌زند و من را نگاه می‌کند. از راه دور برایم دست تکان می‌دهد و اسمم را صدا می‌زند. من هم برایش دست تکان می‌دهم و به‌سمت او حرکت می‌کنم. دوستش سرعتش را بیشتر می‌کند. به هم که می‌رسیم می‌پرسم: «امین چه خبر؟ این هفته که اتفاق جدیدی نیفتاده است؟» امین لبخند می‌زند و می‌گوید: «نه خانم معلم، هیچ اتفاقی نیفتاده است. فقط بچه‌ها منتظر هستند شما امروز بیایید و به آن‌ها بگویید تمام مجسمه‌ها را من خودم درست کرده بودم. هر چه من می‌گویم باور نمی‌کنند.» لبخند می‌زنم و می‌گویم: «مهم نیست. وقتی که جلوی چشمان آن‌ها درست کردی، باور می‌کنند.» این پسر چرخک‌نشین روزهای اول ورود به مدرسه مشکلات زیادی داشت و تقریباً با هیچ‌کس دوست نمی‌شد. حتی دست گرفتن مداد برایش کار غیرممکنی بود. تازه این تنها مشکل ما نبود. توی مدرسه عبور و مرور برایش امکان‌پذیر نبود. حتی یک پله‌ی کوچک جلوی سالن ورودی برای او چالش بزرگی به حساب می‌آمد. خوشبختانه با همکاری مدیر مدرسه الان هر گوشه از مدرسه که موردنیاز باشد، یک راه‌گرد (رمپ) کوچک، مخصوص امین، ساخته شده است. حتی مدرسه کمک کرد تا بتوانیم در سرویس بهداشتی یک دستشویی فرنگی نیز کار بگذاریم. برای بچه‌های معلول، این یکی از مهم‌ترین ضروریات در مدرسه است. امین تنها دانش‌آموز معلول این مدرسه نیست. دو تا پسر بچه‌ی دیگر هم در این مدرسه درس می‌خوانند و البته مشکل آن‌ها به‌شدت مشکل

امین نیست؛ اما حضور امین باعث شده است آن‌ها نیز اعتمادبه‌نفس پیدا کنند.

شاید زیباترین منظره‌ای که من دیده‌ام منظره‌ی راه‌رفتن پریا باشد. وقتی از در مدرسه‌اش وارد می‌شوم پریا را می‌بینم. دارد به‌سمتم می‌آید. چند وقتی است عصا دست گرفته است. او الان می‌تواند از روی صندلی چرخدار بلند شود و راه برود و چقدر این صحنه زیبا و لذت‌بخش است. پریا دختری آرام و کم‌حرف است. به‌زحمت می‌توان او را خندان؛ ولی این روزها لبخند ملیحی گوشه‌ی لب‌هایش نشسته است.

همین‌طور که او را نگاه می‌کنم، به خاطر می‌آورم وقتی اولین کلمات را هم از دهان سعید شنیدم، به‌همین اندازه خوش‌حال شدم. سعید خیلی کوچک بود که مجبور شد کاشت حلزون انجام دهد. از همان موقع تا الان من گام‌به‌گام با او پیش آمده‌ام.

من رابط تلفیقی‌ام. وقتی برای اولین بار قدم به مدرسه‌ای می‌گذارم، اولین کلماتی که می‌شنوم این است که بهتر است این دانش‌آموزان در مدرسه‌ی مخصوص خودشان باشند. این برای آن‌ها سخت است که خود را با بچه‌های عادی وفق دهند، ضایع می‌شوند، این مدرسه امکانات ندارد؛ ولی چیزی که در تمام این سال‌ها متوجه شده‌ام این است که همه‌ی افرادی که از این کلمات استفاده

می‌کنند، بیشتر از آنکه نگران کودکان استثنایی باشند، نگران خودشان هستند. آن‌ها می‌ترسند مجبور شوند خدمات بیشتری به این بچه‌ها ارائه دهند و از عهده‌ی آن بر نیایند. شاید دلسوزی‌های بی‌جایی در ذهنشان دارند و این برایشان آزاردهنده است. قضاوت نمی‌کنم؛ ولی با خودم فکر می‌کنم اگر این کودک فرزند خودشان هم بود، این‌گونه فکر می‌کردند؟ خوشبختانه بعد از اینکه چند سالی این بچه‌ها در مدرسه درس می‌خوانند، تمام تصورات اولیای مدرسه و والدین دانش‌آموزان عادی را تغییر می‌دهند. اصلاً دید آن‌ها به کم‌توانی جسمی عوض می‌شود و همین بزرگ‌ترین دستاورد حضور کودکان استثنایی در مدرسه‌های عادی است. آموزش فراگیر سال‌هاست در کشور ما شروع به کار کرده است؛ اما هنوز هم در بین مردم بسیار ناشناخته است.

این روزها که به پایان دوران پر از فرازونشیب خدمتم نزدیک می‌شوم، از خودم می‌پرسم سرانجام آموزش فراگیر به کجا خواهد کشید؟ در تمام این سال‌ها فهمیدم آموزش فراگیر برای تمامی اعضای جامعه چه افراد عادی و چه افراد معلول از مهم‌ترین نیازهاست. هر دو گروه از هم چیزهایی می‌آموزند و تجربه‌هایی کسب می‌کنند که با هیچ‌چیز دیگری جایگزین نمی‌شود.





این زمینه‌ها نشان می‌دهند. آن‌ها در مهارت خواندن و ریاضی دستاوردهای علمی بیشتری کسب می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که حضور دانش‌آموزان معلول نوعی یادگیری جدید را به دانش‌آموزان عادی آموزش می‌دهند. یکی از این موارد زمانی است که آن‌ها به‌عنوان مربیان همکار خدمت می‌کنند؛ زیرا با فکر کردن به اینکه چگونه باید به یکی دیگر از دانش‌آموزان کمک کنند، عملکرد خود را بهبود می‌بخشند. یکی دیگر از دلایل آن، این است که وقتی معلمان توجه بیشتری به دانش‌آموزان با معلولیت‌های گوناگون نشان می‌دهند، در واقع دارند آموزش را در طیف گسترده‌ای از روش‌های یادگیری (دیداری، شنیداری و حرکتی) ارائه می‌دهند که این امر برای دانش‌آموزان عادی نیز مفید است.

محققان اغلب به دنبال موضوعات و اشتباهات بالقوه‌ای هستند که ممکن است تأثیر آموزش در کلاس‌های فراگیر را کمتر کند (بویی و همکاران، ۲۰۱۰؛ دوپویس و همکاران، ۲۰۰۶)؛ اما یافته‌ها نشان داده‌اند که موضوع اصلی این نیست. زمان آموزشی و زمانی که دانش‌آموزان مشغول به کارند، در کلاس‌های فراگیر و غیرفراگیر یکسان است. در واقع، در بسیاری از موارد، بعضی از دانش‌آموزان عادی می‌گویند که حتی متوجه این نمی‌شوند که دانش‌آموزان معلول در کلاسشان حضور دارند. زمانی که همه‌ی دانش‌آموزان تحت آموزش فراگیر باشند، وقتی آن‌ها بدانند با دانش‌آموزان معلول در یک کلاس هستند، خوش‌رویی و صبوری بیشتری از خودشان نشان می‌دهند.

منابع:

1. Alquraini, T., & Gut, D. (2012). Critical components of successful inclusion of students with severe disabilities: Literature review. *International Journal of Special Education*, 27(1), 42-59.
2. Bui, X., Quirk, C., Almazan, S., & Valenti, M. (2010). *Inclusive education research and practice*. Maryland Coalition for Inclusive Education, 1-14.
3. Dupuis, B., Barclay, J. W., Holmes, S. D., Platt, M., Shaha, S. H., & Lewis, V. K. (2006). Does inclusion help students: Perspectives from regular education and students with disabilities. *Journal of the American Academy of Special Education Professionals*, 74, 91.
4. Boer, P. J. & Minnaert (2010). Attitudes of parents towards inclusive education: A review of the literature Article in *European Journal of Special Needs*. Education May 2010

این مطلب در وبگاه زیر ترجمه شده است:
<https://virgool.io/@cactuscast/inclusive-edu-1-gaqlaewet7bk>

شده است، دانش‌آموزان معلول از طریق آموزش فراگیر پیشرفت بیشتری داشته‌اند و مهارت‌های آن‌ها بیشتر بهبود یافته است و هم‌سالان آن‌ها هم که این چالش‌ها را نداشته‌اند، از این مزایا بهره‌مند شده‌اند (بویی و همکاران، ۲۰۱۰؛ دوپویس، بارکلی، هلمز، پلت، شاه و لوییس، ۲۰۰۶؛ نیومن، ۲۰۰۶؛ القرینی و گات، ۲۰۱۲).

نتیجه‌ی روش آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان معلول شامل دستاوردهای علمی در رشته‌های ادبیات (مهارت خواندن و نوشتن)، ریاضی و مطالعات اجتماعی (هم در نمره‌آوردن و هم در آزمون‌های استاندارد) و در نتیجه مهارت‌های ارتباطی بهتر، مهارت‌های اجتماعی بهتر و داشتن دوست‌های بیشتر است. همچنین، اختصاص زمان بیشتر به این گروه از دانش‌آموزان در کلاس‌های عادی باعث می‌شود آن‌ها رفتارهای مخرب کمتری داشته باشند و کمتر غیبت کنند. این موضوع ممکن است به‌خاطر تغییر در نگرش باشد؛ به این ترتیب که دانش‌آموزان در چنین شرایطی خودپنداره‌ی قوی‌تری دارند، مدرسه و معلمشان را بیشتر دوست دارند و انگیزه‌ی بیشتری برای کار کردن و یادگیری پیدا می‌کنند.

هم‌سالان این دانش‌آموزان هم که کم‌توان جسمی نیستند، زمانی که در کلاس‌های فراگیر حضور دارند، رویکرد مثبت‌تری در

آموزش فراگیر زمانی اتفاق می‌افتد که همه‌ی دانش‌آموزان را بدون توجه به ناتوانی‌هایی که ممکن است داشته باشند، متناسب با گروه سنی‌شان، در کلاس‌های آموزشی معمولی قرار دهیم. این کلاس‌ها باید در نزدیکی محل زندگی دانش‌آموزان معلول برگزار شود تا آن‌ها نیز بتوانند آموزش‌ها، حمایت‌ها و مداخله‌هایی را که باعث می‌شود در برنامه‌ی درسی اصلی‌شان موفق‌تر شوند دریافت کنند (بویی، کورک، المازان و والنتی، ۲۰۱۰؛ القرینی و گات، ۲۰۱۲). طرز کار مدرسه و کلاس، طبق این نوع آموزش، بر این مبناست که صلاحیت و توانایی دانش‌آموزان ناتوان درست به اندازه‌ی دانش‌آموزان معمولی است. بنابراین همه‌ی دانش‌آموزان می‌توانند به‌صورت یکسان در کلاس‌های درس و گروه‌های مدرسه شرکت کنند. بخش عمده‌ای از این حرکت جدید به‌خاطر قانونی است که می‌گوید دانش‌آموزان باید در محیطی با کمترین محدودیت آموزش ببینند. این یعنی آن‌ها، باید تا جایی که می‌شود، در کلاس‌هایی یکسان با هم‌سن‌وسالان خود که ناتوانی ندارند و تحت آموزش عادی هستند، قرار بگیرند.

به زبان ساده، هم دانش‌آموزان معلول و هم دانش‌آموزان عادی با کمک این روش بیشتر یاد می‌گیرند. طبق نتیجه‌های به‌دست‌آمده از مطالعاتی که در سه دهه‌ی گذشته انجام